

آشوب‌های عینی  
-مانند آنچه در  
سال ۱۴۰۱ شاهد  
بودیم- از یک  
سوزمینه‌ساز  
تقویت لابی‌های  
تحریم‌خواه در  
خارج ایران  
می‌شوند و بر  
چالش بیرونی  
می‌افزایند و  
از دیگر سوبا  
تضعیف سرمایه‌ی  
اجتماعی و  
کاهش مشارکت  
سیاسی، از توان  
دولت برای  
اعمال اصلاحات  
اقتصادی  
می‌کاهند

اقتصاد ایران با دودسته چالش‌مواجه است؛  
چالش‌های بیرونی و چالش‌های درونی. چالش‌های  
بیرونی به دو بخش «تحریم» و «وسوسه‌های دشمن»  
تقسیم می‌شوند و مهم‌ترین چالش‌های درونی نیز  
عبارتند از: «وابستگی اقتصاد به نفت»، «دولتی بودن  
بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت  
نیست» و «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن». رهبر  
معظم انقلاب در قسمت سوم-یعنی قسمت اقتصادی-  
از بخش «توصیه‌های اساسی» بیانیه گام دوم انقلاب،  
ضمن ارائه این صورت‌بندی تأکید می‌کنند که در صورت  
«اصلاح» چالش‌های درونی، چالش‌های بیرونی  
کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهند شد. بنابراین راه بی‌اثر  
کردن تحریم‌ها، اصلاحات اقتصادی در داخل است  
اما اکنون این اصلاحات، خود با دو مانع جدی مواجه  
هستند: «تشویش‌های ذهنی و آشوب‌های عینی». در  
این یادداشت، ضمن مروری بر محورهای اصلاحات  
اقتصادی، موانع اصلاحات نیز بررسی می‌شوند.

### وابستگی به نفت

در ادبیات رهبر معظم انقلاب، منظور از «وابستگی به نفت»  
در واقع وابستگی بودجه جاری به درآمدهای ارزی حاصل از  
فروش نفت خام است و الا ایشان با نفتی که در داخل ارزش  
افزوده پیدا کند و محصولاتش صادر شود، مخالفتی ندارند؛  
خصوصاً اگر درآمدها به بودجه عمرانی و سرمایه‌گذاری تبدیل  
شود. بنابراین هرچه سهم منابع نفتی به منابع عمومی دولت  
بیشتر شود، وابستگی اقتصاد به نفت بیشتر است. این نسبت  
در سال ۱۳۹۳ برابر با ۳۵ درصد بود، در سال ۱۳۹۷ به ۳۱ درصد  
رسید، پس از آن به دلیل تشدید تحریم‌ها به ۶ درصد در سال  
۱۳۹۹ کاهش یافت اما از آن سال دوباره روند افزایشی خود را  
آغاز کرد و در سال ۱۴۰۱ به ۲۵ درصد افزایش یافت. متأسفانه در  
قانون بودجه ۱۴۰۲ این سهم، ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است.

### تصدی‌گری دولت

آیت‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما را «تصدی‌گری  
افراطی دولتی» می‌دانند که ریشه در غلبه نگاه‌های  
چپ‌گرایانه در دهه ۱۳۶۰ دارد. در دهه اول انقلاب، گسترش  
تصدی‌گری دولت با این نیت انجام شد که توزیع درآمد بهبود  
یافته و عدالت اقتصادی گسترش یابد؛ این در حالی است  
که صادقی‌شاهدانی و همکارانش در مقاله «اثرات نقش  
حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد» با  
بررسی آمارهای اقتصاد ایران در بازه سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۵ به  
این نتیجه رسیدند که افزایش اندازه دولت در بُعد تصدی‌گری  
باعث بدتر شدن شاخص‌های توزیع درآمد و افزایش اندازه  
دولت در بُعد حاکمیتی منجر به بهبود این شاخص‌ها شده  
است. رهبر انقلاب وظیفه دولت را مدیریت اقتصادی - و نه  
تصدی‌گری- می‌دانند و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را نیز برای  
کاهش سطح تصدی‌گری دولت ابلاغ کردند. با این حال توقع  
ایشان از خصوصی‌سازی هنوز برآورده نشده است.

### بودجه‌بندی نامتوازن

اصلاح ساختاری بودجه نیز سومین محور از مهم‌ترین  
محورهای مطالبه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم است.  
برای ایجاد انضباط مالی نیز ضروری است از تعهدات مالی‌ای  
که منابع پایدار مطمئنی ندارند، پرهیز شود. به عبارت دیگر  
باید در مصارف، صرفه‌جویی کرد و در منابع نیز به دنبال منابع  
پایدار و مطمئن بود تا کسری بودجه ایجاد نشود. برآورد مرکز  
پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ دولت از  
محل بیش برآوردی منابع با کسری احتمالی تأمین نشده ۲۰۰

هزار میلیارد تومانی مواجه خواهد بود. این مرکز در همان  
گزارش تأکید می‌کند که اگر دولت بر سیاست اعلامی مبنی بر  
ایجاد نرخ ارز ترجیحی جدید اصرار کند، با عدم تحقق درآمدی  
بیشتری مواجه خواهد شد.

### موانع اصلاحات: هم‌افزایی تشویش و آشوب

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دست‌کم در سه محور  
«وابستگی به نفت»، «تصدی‌گری دولت» و «بودجه‌بندی  
نامتوازن» نیازمند اصلاحات جدی هستیم و چنانچه هر چه  
زودتر به سمت اجرای این اصلاحات ساختاری نرویم، بر  
اساس منطق اقتصادی بیانیه گام دوم نمی‌توانیم چالش‌های  
بیرونی (یعنی تحریم و وسوسه‌های دشمن) را کم‌اثر و حتی  
بی‌اثر کنیم. وقتی سراغ اصلاحات اقتصادی می‌رویم، با دو  
دسته از موانع مواجه می‌شویم: موانع ناشی از «آشوب‌های  
عینی» و «تشویش‌های ذهنی».

آشوب‌های عینی -مانند آنچه در سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم- از  
یک سوزمینه‌ساز تقویت لابی‌های تحریم‌خواه در خارج ایران  
می‌شوند و بر چالش بیرونی می‌افزایند و از دیگر سوبا تضعیف  
سرمایه اجتماعی و کاهش مشارکت سیاسی، از توان دولت  
برای اعمال اصلاحات اقتصادی می‌کاهند. این البته تنها  
بخشی از ماجراست. بخش مهم‌تر ماجرا آشوبگرانی هستند  
که با تولید ادبیات شبه علمی، باعث تشویش در اذهان بدنه  
وفادار به انقلاب اسلامی و همچنین عموم مردم می‌شوند و  
با این ادعای غلط که «ما بر تحریم‌ها پیروز شده‌ایم، پول در  
کشور فراوان است و اگر معیشت مردم بهبود پیدا نمی‌کند،  
این به دلیل نفوذ نئولیبرال‌های مذهبی در بدنه دولت و  
سیاست‌های ایشان است!» در یک هم‌افزایی با آشوبگران  
عینی، عملاً تسدات اصلاحات اقتصادی را رقم می‌زنند.

### آشوب‌های عینی

با اوج گرفتن آشوب‌های پراکنده در خیابان‌های ایران -که  
البته پشتیبانی رسانه‌ای و میدانی کشورهای ذی‌نفع منطقه‌ای  
و بین‌المللی را نیز به همراه داشت- وزارت خزانه‌داری آمریکا  
در ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱ اطلاعیه وضع تحریم‌های جدید علیه  
پلیس امنیت اخلاقی و برخی از شخصیت‌های نظامی-  
امنیتی ایرانی را روی سایت خود گذاشت. اگرچه این تحریم‌ها  
به‌طور مستقیم اثری روی معیشت ایرانیان ندارند اما به‌طور  
غیرمستقیم، طرف غربی تحریم‌های جدید را به عنوان ابزاری  
در مذاکرات استفاده خواهد کرد تا امتیازات بیشتری از طرف  
ایرانی بگیرد؛ امتیازاتی که می‌تواند چرخه «تحریم-وسوسه»  
مطرح‌شده در بیانیه گام دوم را تقویت کند. با این حال برخی  
از گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی که به‌طور شفاف برای  
لابی‌های صهیونیستی مزدوری می‌کنند، در رسانه‌ها به هیأت  
حاکمه آمریکا فشار می‌آورند تا تحریم‌هایی را وضع کنند که اثر  
منفی‌اش روی سفره عموم مردم، کاملاً روشن باشد!

در کنار تشدید یا استمرار تحریم‌ها که آسیب‌هایی را به اقتصاد  
ایران و معیشت مردم وارد کرده است، آشوب‌های عینی از  
طریق اختلال در دستگاه محاسبات ذهنی سیاست‌گذار  
می‌تواند فرایند اصلاحات اقتصادی را به تعویق بیندازد.

سیاست‌گذار به‌رغم اینکه می‌داند وابستگی بودجه جاری  
به نفت خوب نیست، اما برای اینکه در شرایط کنونی از حجم  
نارضایتی‌ها بکاهد و ثبات اجتماعی ایجاد کند، کسری تراز  
عملیاتی را با درآمدهای نفتی جبران می‌کند. می‌توان توضیح  
داد که چطور این فرایند، از یک سو با کاهش درصد تحقق  
بودجه عمرانی و از دیگر سو با خالی کردن دست دولت از ارز  
نفتی می‌تواند به تورم ساختاری ما دامن بزند و عملاً مشکل  
را در میان‌مدت و بلندمدت حل نخواهد کرد. بنابراین  
آشوب‌های پراکنده خیابانی، علاوه بر آسیب‌هایی که به‌طور